

روش‌شناسی جریان تشیع انگلیسی در مواجهه با مذاهب اسلامی

مهدی برهان*

چکیده

در این نوشتار درصدد هستیم با روش توصیفی - تحلیلی به تبیین و مقایسه روش جریان تشیع انگلیسی و جریان تقریب در مواجهه با مذاهب اسلامی بپردازیم. جریان تشیع انگلیسی بر این باور است که وحدت، در سایه تقریب حاصل نمی‌شود، بلکه در سایه تبیین مسائل اختلافی حاصل می‌شود؛ زیرا با بیان مسائل اختلافی آگاهی مردم بیشتر می‌شود و جانب حقیقت را انتخاب می‌کنند و اجتماع به وحدت رویه و مصلحت می‌رسد. در مقام نقد این روش می‌توان گفت که مقصود از تقریب و وحدت مذاهب اسلامی، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست، بلکه مقصود عدم درگیری و تنازع است. گذشته از این، روش تقریب هیچ‌گاه مخالف تبیین مسائل اختلافی نیست. مهم‌ترین راهبرد در تقریب از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارت‌اند از: رعایت احترام متقابل نسبت به ارزش‌ها و نمادهای مقدس یکدیگر؛ تکیه بر اصول مشترک به‌جای تکیه بر فروع مفترق و شناخت دشمنان اسلام و مقابله با توطئه آنها.

واژگان کلیدی

روش‌شناسی، جریان تشیع انگلیسی، وحدت، اتحاد و تقریب.

*. استادیار گروه فلسفه دایرةالمعارف علوم عقلی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم.

مقدمه

در طول تاریخ، برای جوامع مختلف بشری شرایطی به وجود آمده است که دشمنان حق با ایجاد جریان‌های انحرافی، حق و باطل را درهم آمیخته‌اند و جوامع را دچار فتنه‌های بزرگ کرده‌اند. پیامد آن فتنه‌ها چیزی جز انحراف جوامع از مسیر صلاح و مصلحت و افکندن در مسیر فساد و مفسده نبوده است؛ زیرا جریان‌ها و گرایش‌های عمومی در شکل‌گیری، پایداری یا زوال حکومت‌ها نقش اساسی را ایفا می‌کنند.

در زمان حاضر، جریان انحرافی شیعه انگلیسی صدای تفرقه را از بلندگوی مقدس تولی و تبری سر می‌دهد و به جان امت اسلامی افتاده است. این جریان انحرافی با اصول منحرف خود، مظاهری و شعائری برای شیعه ساخته و پرداخته است تا گذشته از ایجاد تفرقه، درصدد است نظام و انقلاب اسلامی را در دید جهانیان زشت جلوه دهد.

یکی از مسائلی که جریان تشیع انگلیسی با آن مقابله می‌کند و به نوعی برداشت و تفسیر غیرمنصفانه از آن ارائه می‌دهد، مسئله وحدت بین مذاهب اسلامی است. روشی که در مقام عمل از این جریان دیده شده است، چیزی جز تشدید اختلافات مذهبی نبوده است.

از لحاظ تاریخی، روش و شیوه مواجهه با فرق و مذاهب اسلامی، به عصر معصومین علیهم‌السلام باز می‌گردد؛ اما به صورت مدون پیشینه جریان تقریب به سید جمال‌الدین اسدآبادی در اوایل سده چهاردهم باز می‌گردد. وی موضوع اتحاد اسلام را در مقالاتش در مجله عربی‌زبان *عروة الوثقی*، مطرح کرد و اندیشه‌های خود را با استفاده از حمایت مسئولان کشورهای اسلامی تشریح نمود؛ (محیط طباطبائی، ۱۳۷۰: ۱۸۲، ۱۸۵ و ۱۸۷) اما در خصوص «روش‌شناسی جریان تشیع انگلیسی در مواجهه با مذاهب اسلامی» مقاله‌ای نگاشته نشده است.

از این‌رو، برای روشن شدن مسئله باید شواهد و مستندات این جریان را تبیین و مورد نقد و بررسی قرار دهیم تا جوامع اسلامی در ابهام و شک گرفتار نشوند و در فتنه تدبیر شده از جانب رובה پیر، با بصیرت کامل، سرافراز و پیروز بیرون آیند. در این نوشتار با تبیین روش جریان تشیع انگلیسی در مواجهه با مذاهب اسلامی و نقد کلی آن، به تبیین روش تقریب بین مذاهب اسلامی و راهبردهای آن می‌پردازیم.

الف) مفهوم‌شناسی

از آنجاکه روشن شدن محتوای یک نوشتار منوط به تبیین مفاهیم کلیدی است، مناسب است مفاهیم روش‌شناسی، وحدت و اتحاد، تقریب و تفاوت بین تقریب و اتحاد، روشن شود.

۱. روش‌شناسی

برای روشن شدن واژه «روش‌شناسی» ابتدا باید مفهوم واژه «روش» معلوم گردد. روش از بن رو (رفتن) + ش (پسوند اسم مصدر)، به معنای راه رفتن و درگذشتن است. (خلف تبریزی، ۱۳۶۲: ۲ / ۹۷۶) گاه روش به معنای «عمل رفتن» می‌آید. (معین، ۱۳۸۶: ۱ / ۷۶۰) در فرهنگ لغت آکسفورد، واژه روش (Method) این‌گونه معنا شده است: شیوه انجام چیزی.^۱ این تعریف از دو جهت با تعریف فوق تفاوت دارد؛ اول اینکه در این تعریف، روش، به معنای خود فعل نیست، بلکه به معنای نحوه و چگونگی انجام یک فعل است و دوم اینکه روش دیگر مترادف با یک فعل خاص نیست و شامل همه افعال می‌شود.

در مقام معنای اصطلاحی اندیشمندان حوزه‌های گوناگون، تعریف‌های متفاوتی از این واژه ارائه داده‌اند. (شریفی، ۱۳۹۵: ۳۳؛ پارسانیا، ۱۳۸۹: ۱۴۱) گذشته از این تعاریف دارای نقایصی است، یافتن وجه مشترک در این میان مشکل می‌نماید. از این‌رو، با دقت در این واژه به این نکته رهنمون می‌شویم که مفهوم روش، مفهومی است فلسفی که از عناصر فاعل، جهت، وضع موجود و مطلوب، الگو و قلمرو، انتزاع می‌شود. با توجه به این عناصر، تعریف روش به «چگونگی انتقال انسان از وضعیت نامطلوب به وضعیت مطلوب»، تعریفی کامل و فاقد نقایص است. با توجه به تعریف ارائه شده از روش، بدیهی است روش‌شناسی، شناخت این کیفیت انتقال باشد. (علیپور، ۱۳۹۸: ۱۳)

۲. تشیع انگلیسی

تشیع انگلیسی جریانی است که با شهادت و جهاد نسبتی ندارد. بی‌خطر برای طاغوت و ظالمین بوده و از کنار آمریکا و اسرائیل نیز با سکوت عبور می‌کند. ترجیح می‌دهد بر پیکر خونین امام حسین علیه السلام گریه و مویه کند تا در رکابش کشته شود. تشیع انگلیسی هدفش حرکت در مسیر اصلاح دین رسول خدا نیست و تنها بر تفرقه و اختلافات تأکید دارد. تکفیر می‌کند، ناسزا می‌گوید، به مقدسات اهل سنت توهین می‌کند و به تنها حکومت شیعی جهان می‌تازد. تشیع انگلیسی، شیعه را خون‌ریز و غیرعقلانی و افراطی نشان می‌دهد؛ حال آن‌که امامان معصوم شیعه علیهم السلام مظهر عقلانیت و عدالت هستند. شیعه انگلیسی تیغ بر روی برادر مسلمان خود می‌کشد و در برابر کفار و مستکبران خضوع می‌کند. بودجه‌اش بودجه خزانه‌داری انگلیس است. (برداشت از بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۶/۳۰)

۳. وحدت و اتحاد

واژه وحدت در لغت به معنای یکی بودن، یگانگی و تنهایی است. (معین، ۱۳۸۶: ۲ / ۲۰۴۶، عمید، ۱۳۸۹: ۶۹؛

1. A way of doing sth.

ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳ / ۴۴۰؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳ / ۲۸۱)

واژه اتحاد یکی شدن؛ یگانگی کردن؛ یگانگی داشتن؛ یگانگی، توافق (معین، ۱۳۸۶: ۱ / ۸۴؛ عمید، ۱۳۸۹: ۱۰۴۷؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳ / ۲۸۱)

و گاهی وحدت را به معنای اتحاد آورده‌اند. (عمید، ۱۳۸۹: ۱۰۴۷)

گرچه مفهوم دو واژه وحدت و اتحاد به نوعی با هم اختلاف دارند؛ اما در اصطلاح و عرف سیاسی این دو واژه به صورت مترادف به کار می‌روند و منظور از این دو واژه اشتراک با وجود امور اختلافی است. در واقع «مفهوم اتحاد اسلامی که در صد سال اخیر میان علما و فضایی مؤمن و روشنفکران اسلامی مطرح است، این نیست که فرقه‌های اسلامی به خاطر اتحاد اسلامی از اصول اعتقادی یا غیر اعتقادی خود صرف نظر کنند و به اصطلاح، مشترکات همه فرق را بگیرند و مختصات همه را کنار بگذارند. چه، این کار نه منطقی است و نه عملی». (مطهری، ۱۳۷۶: ۲۳۱) در همین راستا، مقام معظم رهبری مراد از وحدت امت اسلامی مطابق آیه ۴۶ انفال «عدم تنازع و یکپارچگی دو جماعت که از لحاظ اعتقاد دینی مثل هم نیستند» می‌دانند. (مقام معظم رهبری: ۱۳۶۸/۷/۱۹؛ همو: ۱۳۷۹/۱/۲۶)

۴. تقریب

واژه «تقریب» از باب تفعیل و از ماده قرب به معنای نزدیک و نزدیکی اخذ شده است. (ابن منظور، ۲۰۰۰: ۱۱، ۸۲ و ۸۵؛ معین، ۱۳۸۶: ۱ / ۴۷۵) مراد از واژه تقریب، نزدیک کردن دیدگاه‌ها و هماهنگی مواضع مسلمین است. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۴)

۵. تفاوت تقریب و اتحاد

این دو واژه در اصطلاح مصلحان جامعه اسلامی، معنایی نزدیک به هم دارند و از هدف واحدی برخوردارند. این هدف همان ایجاد همبستگی و سازگاری میان فرق و مذاهب جامعه اسلامی است؛ اما می‌توان این تفاوت را میان آنها قائل شد که اصطلاح «اتحاد امت اسلامی» عام‌تر است و جنبه سیاسی، اجتماعی و عملی دارد، ولی اصطلاح «تقریب مذاهب اسلامی» بیشتر جنبه علمی و نظری دارد و بیشتر میان عالمان دینی مطرح می‌باشد. (ذاکری، ۱۳۸۹: ۵۶)

۶. روش تشیع انگلیسی

جریان تشیع انگلیسی تفسیری متفاوت از روش مواجهه با اهل سنت ارائه می‌دهد. این جریان تقریب اسلامی را در حوزه عقاید مطرح کرده و مورد نقد قرار می‌دهند. در واقع وحدت و اتحاد با اهل سنت را

خلاف تغییر از جامعه اسلامی نامطلوب به مطلوب می‌دانند. جهت نقد روش‌شناسی ایشان، فهم مقصود این جریان از وحدت و شواهدی که بر ادعای خود ارائه می‌دهند، ضروری به نظر می‌رسد.

۷. مقصود از وحدت

مطابق تعریف ارائه شده از روش، جریان تشیع انگلیسی بر این باور است که انتقال جامعه اسلامی از وضعیت نامطلوب به وضعیت مطلوب، با روش «تقریب مذاهب اسلامی» امکان‌پذیر نیست، بلکه این تبدیل وضعیت، با روش تبری و بیان مسائل اختلافی است. (الحیب، بی‌تا: ۳۲ - ۲۹) وجه این سخن آن است که پیامد روش تقریب آن است که شیعه از مذهب خود دست بردارد و به مذهب دیگری اعتقاد پیدا کند و حال آنکه این نوع روش، نه تنها باعث اتحاد جامعه اسلامی نمی‌شود، بلکه موجب مخفی ماندن چهره واقعی برخی افراد ناشایست و مقدس جلوه دادن آنان می‌شود و به همین جهت، مانع اتحاد و صلاح جامعه اسلامی است. در واقع، روش تقریب، در سایه نگرش اتحاد، نسبت به بدی‌ها و زشتی‌های شخصیت‌ها مورد احترام و مقدس اهل سنت، سکوت اختیار کرده است. حال اگر شیعه، چهره واقعی این افراد را نمایان کند و از آنان تبری بجوید، قداست آنان از بین می‌رود و جامعه یکپارچه و متحد می‌شود. وجه اتحاد به این است که آنچه که سبب اختلاف بین مذاهب است، همین قداست افراد ناشایست است و با روشن شدن وضعیت آنان، مایه اختلاف از بین می‌رود و اتحاد شکل می‌گیرد. روشن است که منفعت برائت از مخالفان، از سکوت بیشتر است و این همان مصلحت جامعه اسلامی است. (همان)

بنابراین روش است که سرآمد جریان تشیع انگلیسی در مقام پاسخ به مسئله اتحاد، چنین بیان می‌کند:

اتحاد اسلامی به دو معنی است:

۱. اتحاد سیاسی مقابل غیرمسلمانان: قرآن مجید به آن اشاره نموده و فرموده است: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ؛ (مؤمنون / ۵۲) و این امت شما (در مقابل دشمنان) امتی است واحد و من پروردگار شمایم پس از مخالفت من بپرهیزید» و این اتحاد سیاسی تنافی با حفظ عقیده خود و ثبات بر تولی و تبری ندارد، زیرا تولی و تبری دو رکن مهم دین و واجب بوده و باید با استدلال و منطق و به دور از تعصب و عناد بحث و گفتگو کرد تا حق معلوم گردد و پیروی از حق شود.

۲. اتحاد فکری و عقیدتی: قرآن مجید و حدیث شریف این نوع اتحاد را رد نموده است؛ چراکه قرآن فرموده است «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ (آل عمران / ۱۰۳) یعنی همگی به ریسمان خدا که امیرمؤمنان و اهل بیت عصمت و طهارت طبق تفسیر بوده چنگ زنید و پراکنده نشوید؛ همان‌گونه که صدیقه کبری حضرت فاطمه زهرا^{علیها السلام} در فرازی از خطبه فدکیه خود فرمودند: «فَجَعَلَ اللَّهُ طَاعَتَنَا نِظَامًا

للملة وامامتنا اماناً للفرقة؛ خدای متعال فرمانبرداری از ما را وسیله نظام‌مندی و امامت ما را امان از تفرقه و پراکندگی امت اسلامی قرار داده‌است». (استفتائات سایت؛ عنوان: منظور از وحدت، ۲۰ تیر ۱۴۰۰)

بنابراین روش دیدگاه تشیع انگلیسی، تفکیک بین اتحاد سیاسی و اتحاد فکری و عقیدتی است؛ و هیچ ارتباطی بین اتحاد سیاسی و اتحاد فکری وجود ندارد. در واقع بنا بر آموزه‌های قرآنی، اتحاد در عقاید نداریم و اتحاد سیاسی در مقابل جبهه کفر و شرک نیز تلازمی با اتحاد در عقاید ندارد؛ بنابراین سخن گفتن از وحدت و اتحاد بین مذاهب اسلامی نادرست است؛ چراکه اتحادی در عقیده نیست و اتحاد سیاسی نیز ارتباطی با مذاهب اسلامی و این وحدتی که گفته می‌شود، ندارد.

۸. شواهد

جریان انحرافی اموری که در ظاهر صحیح به نظر می‌رسند را به‌عنوان شاهی بر مدعای خوب مطرح نموده‌اند. شواهدی که این جریان بر روش خود ارائه کرده، از این قرار است:

شاهد نخست: امتناع از بیان مسائل دینی اختلافی موجب می‌شود این اختلافات به صورت آتش زیر خاکستر در دل‌ها باقی بماند و یک زمانی به نحوی منفجر شود که قابل مهار نباشد؛

شاهد دوم: بیان مسائل دینی اختلافی صادقانه، باعث می‌شود که افراد جامعه اسلامی به‌صورت آزاد، عقیده خود را گزینش کنند و حساسیت‌ها و مناقشات برطرف شود؛ زیرا جامعه متوجه تناقضات خواهد شد؛

شاهد سوم: بیان مسائل اختلافی و تبری از مخالفان موجب برطرف شدن بغض و کینه از دل مخالفان می‌شود؛ چون مخالفان براهین و ادله شیعه برای مخالفت را نمی‌دانند و با آگاهی از حقایق، بغض و کینه آنان برطرف خواهد شد؛

شاهد چهارم: بیان مسائل اختلافی موجب آگاهی بیشتر مردم می‌شود و جانب حقیقت را انتخاب می‌کنند و اجتماع را به وحدت رویه می‌کشاند و اگر به وحدت و اتحاد نرسد، حداقل صلح عمومی حاصل می‌شود؛ به بیان خلاصه اتحاد و مصلحت جامعه در بیان مسائل اختلافی و تبری از مخالفان است؛

شاهد پنجم: تلاش برای پدید نیامدن تنش و تنفر مسئله مهمی است، ولی لازمه‌اش این نیست که از بیان مسائل اختلافی و تبری از دشمن دست برداریم و وظیفه تبلیغ دین و امر به معروف و نهی از منکر را رها کنیم، چراکه این مسئله مهم‌تر است و قاعده شرعی که عقل هم آن را قبول می‌نماید این است که مصلحت مهم بر مصلحت مهم مقدم است.

مثال واقعی وحدت در سایه مصلحت در جوامع غربی تحقق دارد. در جوامع غربی یک یهودی در کنار یک مسیحی در یک لشکر وطنی، مقابل دشمنشان می‌جنگند، در حالی که یهودی می‌داند مسیحی او را کافر جهنمی می‌داند و مسیحی، یهودی را کافر. آنچه باعث شده جوامع غربی به وحدت رویه و انسجام

دست پیدا کنند، این است که مسائل اختلافی را صریح بیان می‌کنند؛ اما جوامع شرقی عقب‌مانده چون در بیان اعتقادات دینی ممنوع هستند، تنفر شدید حاکم است و برای برطرف شدن این تنفر باید حقایق صادقانه بیان شود. (الحیب، بی‌تا: ۳۲ - ۳۹)

بنابراین، تبلیغ دین و بیان حقایق دین در مقایسه با مسئله وحدت جامعه دارای اولویت و مصلحت مهم است. شاهد بر این مطلب، سیره تمامی پیامبران است؛ زیرا آنان تمام هم و غم خود را برای بیان حقایق و تبلیغ دین گذاشته بودند، اگرچه بیان آموزه‌های دینی باعث تفرقه اجتماع می‌شده است و ظاهراً انسجام جامعه را از بین می‌برده است. با نگاهی گذرا به تاریخ متوجه می‌شویم که هر اجتماعی قبل از آنکه پیامبری در آن ظهور کند، متحد و منسجم و دوستدار هم بوده‌اند، ولی وقتی پیامبری در آن ظهور کرد جامعه دچار تفرقه، نزاع و دشمنی باهم می‌شدند؛ (همان: ۳۸) از باب نمونه حضرت ابراهیم و همراهانش وحدت قومی را که بر باطل بنا شده بود، از بین بردند و از اجتماع آنها جدا شدند و علیه اجتماع قیام کردند و بر نمادهای مقدسشان تمرد نمودند. آنان برای حفظ انسجام و وحدت اجتماع هیچ توافقی را قبول نکردند. (همان: ۴۱)

راه ما نیز راه حضرت ابراهیم است و از تهمت‌های فتنه‌انگیزی و تفرقه‌افکنی که به ما روا می‌دارند، باکی نداریم؛ چون این وحدت - بر فرض که وجود داشته باشد - وحدتی بر اساس باطل و انحراف است و در چنین وحدتی خیری نیست! موضع ما در اینجا همان موضع حضرت ابراهیم و همراهان اوست، پس هر کس می‌خواهد اعتراض کند اول به آنها اعتراض کند و بعد نزد ما بیاید. (همان: ۴۳)

۹. نقد روش تشیع انگلیسی

روش جریان تشیع انگلیسی، روشی است که نهایتش، کاشتن بذر کینه و دشمنی در قلوب مسلمان و فرصت‌دهی به دشمن مشترک مسلمین برای هرگونه بهره‌برداری از این وضعیت است. در اینجا لازم است ابتدا به برداشت نادرست این روش از تقریب، سپس به بررسی شواهد و نقدهای کلی این روش بپردازیم.

۱۰. برداشت نادرست از روش تقریب

آنچه که در گام نخست بررسی دیدگاه تشیع انگلیسی به نظر می‌رسد این است که مقصود از روش تقریب، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست. آن‌گونه که گذشت جریان انحرافی چنین وانمود می‌کند که مقصود از تقریب مذاهب اسلامی این است که مسلمانان از مذهب خود دست بردارند و به مذهب دیگری اعتقاد پیدا کنند؛ به بیان دیگر، مسلمانان در اعتقادات یکسان شوند و حال آنکه مقصود از روش تقریب، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست، بلکه عدم‌درگیری و تنازع است؛ «وَلَا تَنَازَعُوا

فَتَفَسَّلُوا» (انفال / ۴۶) (مقام معظم رهبری ۱۳۶۸/۷/۱۹) عدم تفرق، عدم درگیری؛ یعنی دو جماعت که از لحاظ اعتقاد دینی مثل هم نیستند، می‌توانند بدون کشمکش، کنار هم باشند و وحدت داشته باشند. (مقام معظم رهبری: ۱۳۷۹/۱/۲۶)

بنا بر این مقدمه، تفکیک بین اتحاد سیاسی و اتحادی فکری و عقیدتی صحیح نیست؛ چراکه اول: اتحاد سیاسی پیامد و ثمره اتحاد فکری است و در راستای یک هدف که وصول جامعه به تکامل است، می‌باشند، از این رو، تفسیر متقابل از این دو اتحاد، قابل قبول نیست؛ دوم: جریان انحرافی اتحاد در قرآن و سنت به گونه‌ای به اتحاد تشیع در مقابل اهل تسنن تفسیر کرده‌اند و این گذشته از آنکه خلاف ظاهر آیه و روایتی است که مستند این جریان است، خلاف ظاهر آیات و روایات و آموزه‌های دینی دیگر است (← ادامه).

۱۱. بررسی شواهد

در مقام بررسی شواهد جریان انحرافی در مقابل روش تقریب چنین می‌توان گفت:

بررسی شاهد نخست: روش تقریب هیچ‌گاه مخالف تبیین مسائل اختلافی نیست. شاهد بر این ادعا برنامه‌های رسانه‌ای مانند مستند «داستان تقریب»، مقالات، مانند *راه‌های تقریب مذاهب اسلامی و وحدت مسلمانان* نوشته واعظزاده خراسانی و کتبی مانند *اندیشه‌های تقریبی علامه شرف‌الدین عاملی* از محمد اسحاق ذاکری در این راستا نشر پیدا کرده است و هیچ‌گاه به گونه‌ای عمل نکرده است که این اختلافات به صورت آتش زیر خاکستر در دل‌ها باقی بماند؛

بررسی شاهد دوم: اولاً افراد جامعه در ایران اسلامی به صورت آزاد، عقیده خود را گزینش و بیان می‌کنند و این مفاد آموزه‌های دینی، به‌ویژه آیه «لا اکراه فی الدین» است. البته آزادی عقیده و بیان در ایران با آنچه در غرب به صورت افسار گسیخته است، متفاوت است. در ایران اسلامی آزادی با حفظ شرایط و قیودی، همچون عدم تضاد با مصالح مادی و معنوی است که در آثار اندیشمندانی همچون علامه مصباح یزدی رحمته‌الله به آن پرداخته شده است. (مصباح، ۱۳۸۲: ۳۸۶ - ۳۷۸) گذشته از این، نوع روش تشیع انگلیسی در مقام عمل به گونه‌ای نبوده است که با تبیین مسائل اختلافی حساسیت‌ها و مناقشات را برطرف کند، بلکه تشدید کرده و مروج تفرقه بوده است؛

بررسی شاهد سوم: همان‌گونه که گذشت، روش تقریب با اصل بیان مسائل اختلافی، مخالفتی ندارد؛ اما اینکه بیان مسائل اختلافی و تبری از مخالفان موجب برطرف شدن بغض و کینه از دل مخالفان می‌شود، (الحیب، بی‌تا: ۳۲ - ۲۹) صرف ادعا است و آنچه که مهم است، نوع و گونه بیان مسائل اختلافی است. آنچه که در مقام عمل روشن شده است این است که جریان انحرافی با این روشن

نه تنها بغض و کینه را از دل مخالفان برطرف نکرده است، بلکه بغض و کینه مخالفان را بیشتر کرده است و اگر تدبیر مقام معظم رهبری و نظام نبود معلوم نبود چه اتفاقی رخ می‌داد؛

بررسی شاهد چهارم: انتخاب و گزینش، مسبوق به بینش و گرایش است و ترکیب این دو، انگیزش را تولید می‌کند و در نهایت زمینه‌ساز انتخاب و گزینش می‌شود. بنابراین آگاهی و بینش علت تامه انتخاب نیست تا شما بگویید با آگاهی، مردم جانب حقیقت را انتخاب می‌کنند، بلکه علاوه بر بینش و آگاهی، گرایش و انگیزش نیز باید به آگاهی ضمیمه شود تا انتخاب و گزینش شکل بگیرد؛ به بیان دیگر، صرف آگاهی و بینش برای هدایت مردم کافی نیست، بلکه باید عامل باور و انگیزه مردم نیز به عامل شناخت و آگاهی ضمیمه شود تا انتخاب صحیح شکل بگیرد.

بررسی شاهد پنجم: اول: همان‌گونه که گذشت، روش تقریب با بیان مسائل اختلافی مخالفتی ندارد و اختلاف در نوع بیان و نوع مواجهه با اهل سنت است، به‌عنوان مثال بجای توهین، تمسخر و هتک مقدسات اهل سنت، بر مشترکات تأکید شود و مسائل اختلافی در محافل علمی مورد بررسی قرار گیرد؛ دوم: اینکه در تزاخم بین پدید نیامدن تنش و تنفر و بیان مسائل اختلافی کدام اهم و کدام مهم است، به دست کارشناس حاذق و ماهر است؛ به بیان دیگر، تشخیص اهم در تزاخم بین عدم تنش در جامعه اسلامی، و بیان مسائل اختلافی به دست ولی فقیه است؛ زیرا ۸۸ خبره ولی فقیه را به‌عنوان کارشناس خبره معرفی کرده‌اند.

درباره مثال واقعی وحدت در جوامع غربی تحقیق دارد، باید گفت که اول: اختلاف مسیحی و یهودی به این اندازه نیست؛ چراکه یهودیان فزونی جمعیت ندارد و تعدادشان اندک است و بیشتر در مدیریت امور دخالت می‌کنند؛ دوم: گرچه در سابق اختلافات شدیدی بین این دو فرقه بوده است؛ اما الان اختلاف شدیدی ندارند؛ سوم: ما در جوامع غربی از این جهت وحدت رویه‌ای نمی‌بینیم و سؤالی که مطرح می‌شود این است که در اختلاف بین مسیحی و یهودی کدام غالب شدند و کدام مغلوب؛ چهارم: این سخن شما که جوامع شرقی عقب‌مانده چون در بیان اعتقادات دینی ممنوع هستند، صرف ادعا بدون دلیل است و حتی دلیل بر خلاف آن داریم؛ چراکه بسیاری از جوامع پیشرفته غرب از به‌کارگیری آموزه‌های اسلام است که به این مرحله از پیشرفت رسیده‌اند و این نوعی از خودبیگانگی است که خود را عقب مانده بدانیم.

ب) نقدهای کلی

پس از بررسی شواهدی که این جریان مطرح نمود، لازم است به‌طور کلی نگاهی نقادانه به این جریان داشته باشیم. این جریان در واقع مخالف با آموزه‌های دینی و دارای تناقض در مدعیاتش است. مغالطه و مقایسه‌های نادرست، از دیگر نقدهای وارد به این جریان است.

۱. تقابل با آموزه‌های دین

آنچه از ظاهر دستور قرآن در آیه ۱۰۳ آل عمران و سنت اهل بیت علیهم‌السلام همچون خطبه فدکیه به دست می‌آید، مخالفت با روش دیدگاه تشیع انگلیسی و سازگار با روش تقریب است. شاهد بر این ادعا پیامد عملی روش تشیع انگلیسی است که دائم بر طبل تفرقه می‌کوبند.

۲. تناقض‌گویی

از آنجاکه این جریان درصدد است روش و دیدگاه خود را مطابق با عقل و دین نشان دهد، در موضع‌گیری متفاوتی به تناقض‌گویی روی می‌آورد. از یک طرف در سخن و عبارات سید صادق شیرازی اتحاد را ضروری می‌داند، از جمله در کتاب *اسلام و سیاست* که از آثار وی هست، می‌نویسد:

هرگونه تفرقه و جداسازی میان مسلمانان، از بدترین محرّمات در اسلام به‌شمار می‌آید که موجب تشتت و پراکندگی امت واحده و هموارکردن راه برای تسلّط کفار بر جهان اسلام و مسلمانان خواهد بود. (حسینی شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۲۳)

از سوی دیگر عملکرد خود ایشان و نگاشته‌های داماد برادر وی، یاسر الحبيب معنی اتحاد را به نحوی بیان می‌کند که مساوی با تفرقه و تشتت است. (الحبيب، بی‌تا: ۳۲ - ۲۹)

۳. عدم اجرایی‌شدن

چگونه با روش شکستن تقدس عایشه و برخی از شخصیت‌های مورد احترام اهل سنت، جامعه اسلامی را متحد می‌سازید، و حال آنکه این روش، توانایی برقراری اتحاد بین علمای شیعه در این زمینه را ندارد، چه رسد به اتحاد جامعه اسلامی؛ زیرا عموم علمای شیعه توهین به مقدسات اهل سنت را ممنوع می‌دانند. چطور می‌شود بعد از شکستن تقدس عایشه اهل سنت را با خود همدل کرد. این کار فقط موجب شده کینه‌ها و نفرت ایشان فزونی یابد. این جریان چند نفر را با این روش شیعه کرده است؟

۴. مغالطه

روش تشیع انگلیسی در مغالطه‌ای زیرکانه توهین به مقدسات را مصداق امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و به دلیل مهم‌تر بودن بر مصلحت اتحاد مسلمین، آن را مقدم می‌دارد. (الحبيب، بی‌تا: ۸۴)

در مقام نقد این مغالطه می‌گوییم اول: وظیفه امر به معروف با بیان صحیح و مؤدبانه حقایق انجام می‌شود و نیازی به توهین و شکستن مقدسات ایشان نیست. پس تزاممی در کار نمی‌باشد تا نیازمند به اجرای قاعده اهم و مهم باشد؛ دوم: اگر تزاممی هم در کار باشد، حتماً اتحاد مسلمین بر بیان و اثبات

حقایق مذهبی مقدم است؛ چراکه ریخته نشدن خون انسان‌های بی‌گناه و شکست نخوردن مسلمین در برابر کفار از بیان حقایق فرقه‌ای مهم‌تر است. گذشته از این امور، مطابق دیدگاه همه فقها یکی از شروط امر به معروف و نهی از منکر، عدم ضرر است. آیا ضرری بالاتر از به هم خوردن اتحاد و اجتماع مسلمین وجود دارد؟

۵. قیاس مع الفارق

روش جریان انحرافی تولی و تبری رفتارهای تفرقه‌افکنانه خود را با سیره پیامبران قیاس کرده، بر این باور است که پیامبران با آشکار کردن دعوتشان، اجتماع را دچار تفرقه می‌کنند و وحدت و انسجام را از بین می‌برند. (همو، بی‌تا: ۳۸) این جریان در جایی دیگر مخالفین را با کفار قریش قیاس می‌کند. (همو، بی‌تا: ۵۰ - ۴۹)

۶. نقد

اولاً. اینکه جوامع، قبل از بعثت پیامبران دارای انسجام بودند و هیچ‌گونه اختلافی نداشتند، صرف ادعا است؛

ثانیاً. جوامع قبل از دعوت پیامبران آلوده به شرک و کفر رسمی بوده‌اند، به خلاف جوامع بعد از دعوت پیامبران که اثری از کفر آشکار در آن نیست؛

ثالثاً. حضرات معصومین علیهم‌السلام با سیره و روش خود هرگز اسباب تفرقه و جدایی را فراهم نیاوردند، با اینکه اهل بیت علیهم‌السلام سزاوارتر به انجام روش پیامبران می‌باشند.

سؤال مهم این است که چرا اهل بیت علیهم‌السلام همانند باور جریان تشیع انگلیسی، به صورت قطعی و صریح این قضیه را بیان نکرده‌اند؟ آیا اهل بیت علیهم‌السلام بین اهل سنت و کفار هیچ فرقی نمی‌گذاشتند؟ آیا اهل سنت را در احکام برابر با کفار می‌دانستند؟ به چه ملاکی بین این دو گروه قیاس می‌شود؟ آیا این یک استدلال وهمی نیست؟ آیا حفظ وحدت و انسجام جامعه اسلامی در سایه سکوت ۲۵ ساله امیرالمؤمنین و ۲۰ سال امام حسن و امام حسین در برابر معاویه و همین‌طور ائمه بعدی و حتی امام عصر هم که در پرده غیبت است، شاهد آشکاری بر ناصواب بودن سیره عملی شما نیست؟

به‌طور خلاصه روش جریان تشیع انگلیسی در انتقال جامعه اسلامی از وضعیت نامطلوب به وضعیت مطلوب با روش تبیین مسائل اختلافی است که مستند به شواهدی نیز است، گذشته از مخدوش بودن شواهد، نقدهای کلی بر این روش وارد بود، به همین جهت، روش جایگزین برای صلاح جامعه، روش تقریب مذاهب است.

ج) تبیین روش تقریب بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری

روش تقریب مذاهب با تقریر صحیح می‌تواند انسجامی در دنیای اسلام در برابر کفر ایجاد کند. این روش، گذشته از اینکه مشکلات و پیامدهای منفی دیدگاه جریان انحرافی را ندارد، دارای راهبردهای قابل اعتناء است. در این قسمت به تبیین روش تقریب مذاهب اسلامی می‌پردازیم.

۱. مقصود، معیار و اهمیت تقریب

وحدت و همدلی میان مذاهب اسلامی، نیاز همیشگی امت اسلامی بوده و هست؛ چراکه مصلحت عمومی جهان اسلام مقتضی این است که در برابر دشمنان قسم خورده با تمام قدرت مقابله کرد. در این راستا بصیرت‌بخشی و روشن‌گری رهبر معظم انقلاب در این رابطه، موجب گردید تا بستر و فضای گفتگو و تعامل نتیجه‌بخش برای عالمان و اندیشمندان مسلمان در داخل کشور و جهان اسلام فراهم شود و زمینه تفسیرهای غلط و بهانه‌جویی و فتنه‌انگیزی دشمنان از بین برود.

آن‌گونه که بیان شد در گام نخست باید توجه داشت که مقصود از روش تقریب، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست، بلکه مقصود عدم‌درگیری و تنازع است. بدیهی است این روش، ملاک و معیار می‌خواهد. بهترین ملاک و محور وحدت و تقریب، کتاب خدا و سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و شریعت اسلامی است. (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۷/۱۹) اهمیت این روش در مواجهه با مذاهب اسلامی در «مصلحت کشور، مصلحت ملت و مصلحت انقلاب» نهفته است. (همان) وحدت به عنوان یک تاکتیک، یک استراتژی و یک اصل اسلامی است که برای همیشه لازم است؛ چرا که اختلافات مذهبی و طایفه‌ای آب به آسیاب دشمن ریختن است. (۱۳۶۸/۷/۱۹) وحدت زمینه‌ساز حیات، سربلندی، نجات و برافراشتن پرچم اسلام است. (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۲/۱۸) وحدت دژ محکمی در برابر تهدید دشمنان نظام و انقلاب است. (همو، ۱۳۹۲/۳/۱۷) وحدت راه علاج بیماری اختلاف مسلمانان است. (همو، ۱۳۹۱/۱۱/۱۰) وحدت حافظ امنیت است (همو، ۱۳۷۹/۱/۲۶) وحدت «تضمین‌کننده ابهت کشور است». (همو، ۱۳۸۸/۲/۲۸) وحدت پشتوانه تلاش دولتمردان، مبارزان و دلسوزان این کشور و این انقلاب است. (خامنه‌ای، ۱۳۷۷: ۲۲۹)

در مقابل، روشی که ایجاد اختلاف کند، نابودکننده ملت‌ها و تمدن‌ها و انقلاب‌ها است (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۳/۳۰ و ۱۳۷۷/۱۰/۴)، شکننده شکوه و عظمت امت اسلامی است؛ همان‌گونه که قرآن فرموده است «وَتَدْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال / ۴۶) (سخنرانی، ۱۳۸۱/۱۲/۲؛ ۱۳۶۸/۷/۵) و «امروز این ضعف و ذلتی که مسلمانان کشورهایی در دنیا دچار آن شده‌اند، ناشی از همین تفرق و اختلاف است.

اگر مسلمانان متحد بودند، فلسطین این‌طور نمی‌شد. بوسنی آن‌طور نمی‌شد. کشمیر آن‌طور نمی‌شد. تاجیکستان این‌طور نمی‌شد. مسلمانان اروپا، آن‌طور در محنت زندگی نمی‌کردند. مسلمانان در آمریکا، آن‌طور مورد زورگویی قرار نمی‌گرفتند. علت این است که ما با هم اختلاف داریم». (۱۳۷۲/۶/۱۴) اختلاف، از بین برنده توانایی‌های با ارزش علمی و فکری مسلمانان است. (همو، ۱۳۷۰/۷/۱) اختلاف، پاسخی مثبت به زیاده‌خواهی آمریکا و غرب و عملیاتی کردن نقشه‌های آنان است. (همو، ۱۳۹۱/۱۱/۱۰) اختلاف، راهی برای نفوذ دشمن است. (همو، ۱۳۶۸/۷/۵ و ۱۳۶۸/۴/۱۳)

۲. راهبردهای روش تقریب

راهبردهایی که روش تقریب برای رسیدن به هدف مطلوبش دارد، عبارتند از: رعایت و حفظ حریم، تکیه بر اصول مشترک بجای تکیه بر فروع مفترق، شناخت دشمنان اسلام و مسلمانان و مقابله با نقشه و توطئه آنها و مبارزه با جریان تکفیری است که در اینجا به تبیین آنها می‌پردازیم.

۳. رعایت و حفظ حریم

مهم‌ترین راهبرد در روش تقریب، رعایت و حفظ احترام متقابل نسبت به ارزش‌ها و نمادهای مقدس یکدیگر است. این مهم در سایه امور ذیل به دست خواهد آمد:

الف) تفکیک میدان بحث علمی و واقعیت زندگی: «سنی و شیعه هرکدام مراسم مذهبی خودشان را، آداب خودشان را، عادات خودشان را، وظایف دینی خودشان را انجام می‌دهند و باید بدهند، ... مراد ما از وحدت اسلامی، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست. میدان برخورد مذاهب و عقاید اسلامی و عقاید کلامی و عقاید فقهی - هر فرقه‌ای عقاید خودش را دارد و خواهد داشت - میدان علمی است؛ میدان بحث فقهی است؛ میدان بحث کلامی است و اختلاف عقاید فقهی و کلامی می‌تواند هیچ تأثیری در میدان واقعیت زندگی و در میدان سیاست نداشته باشد». (همو، ۱۳۸۸/۲/۲۸ و ۱۳۸۵/۵/۳۰)

«اگر کسی برای اثبات مذهب خود تلاش علمی بکند، من آن را رد نمی‌کنم. هم شیعه، هم سنی، هم هر مؤمن به نحله‌ای، به عقیده‌ای و به طریقه‌ای، حق دارد طریقه خودش را اثبات کند. این، چیز دیگری است؛ ما آن را رد نمی‌کنیم. آنچه که ما رد می‌کنیم، تلاش برای معارضه، کوبیدن، اهانت کردن و نفی موجودیت طرف مقابل است؛ این غلط است». (همو، ۱۳۷۰/۷/۱)

ب) تحریم اهانت به مقدسات یکدیگر: «اینجانب همچون بسیاری از علمای اسلام و دلسوزان امت اسلامی بار دیگر اعلام می‌کنم که هر گفته و عملی که موجب برافروختن آتش اختلافات میان مسلمانان شود و نیز اهانت به مقدسات هریک از گروه‌های مسلمان یا تکفیر یکی از مذاهب اسلامی، خدمت به

اردوگاه کفر و شرک و خیانت به اسلام و حرام شرعی است». (همو، ۱۳۹۲/۷/۱۹)

«من اعلام کردم، باز هم تأکید می‌کنم. خط قرمز از نظر نظام اسلامی و از نظر ما، عبارت است از اهانت به مقدسات یکدیگر. آن کسانی که نادانسته، از روی غفلت، گاهی از روی تعصب‌های کور و بی‌جا، چه سنی و چه شیعه، به مقدسات یکدیگر توهین می‌کنند، نمی‌فهمند چه می‌کنند. بهترین وسیله برای دشمن همین‌ها هستند؛ بهترین ابزار در دست دشمن همین‌ها هستند؛ این خط قرمز است». (همو، ۱۳۸۸/۲/۲۹)

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین اقدام عملی اخیر مقام معظم رهبری، تحریم اهانت به مقدسات برادران اهل سنت بود که در سال ۱۳۸۹ در پاسخ به استفتایی از سوی برخی علما و فرهیختگان منطقه احساء عربستان در مورد اهانت به عایشه اعلام کردند: «اهانت به نمادهای برادران اهل سنت از جمله اتهام زنی به همسر پیامبر اسلام [عایشه] حرام است. این موضوع شامل زنان همه پیامبران و به‌ویژه سیدالانبیا پیامبر اعظم حضرت محمد ﷺ می‌شود». (<http://www.khabaronline.ir>)

این فتوا با استقبال کم‌نظیر علما و مسلمانان در جهان اسلام مواجه گردید؛ که لازم است طرفین در سایر موارد ممکن اقدامات مشابهی انجام دهند.

۴. تکیه بر اصول مشترک بجای تکیه بر فروع مفترق

برخورداری از نقاط مشترک که بیشتر از نقاط افتراق بین شیعه و سنی است، می‌تواند تکیه‌گاه خوبی برای تقویت روش وحدت و تقریب هرچه بیشتر مذاهب اسلامی باشد. به بیان مقام معظم رهبری «امروز دشمن واحدی در مقابل ماست؛ علاوه بر اینکه کتاب واحد، سنت واحد، پیغمبر واحد، قبله واحد، کعبه واحد، حج واحد، عبادات واحد، اصول اعتقادی واحد در جامعه اسلامی است. البته اختلافاتی هم وجود دارد. اختلافات علمی ممکن است بین هر دو نفر عالم باشد. علاوه بر اینها، دشمن واحد در مقابل دنیای اسلام است. مسئله اتحاد بین مسلمانان یک امر جدی است. با این مسئله، باید این‌طور برخورد شود. هر روزی که این قضیه دیر شود، دنیای اسلام یک روز خسارت کرده و این روزها، روزهایی است که بعضی آن‌چنان حساس است که در یک عمر اثر می‌گذارد. نباید بگذارید دیر شود» (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۵/۲۴ و ۱۳۶۸/۷/۱۹) البته روشن است که در برخی فروع اختلاف دیدگاه وجود داشته باشد؛ اما این اختلاف «... منافات ندارد با اجتماع، با جمیع شدن، مجتمع شدن؛ اینها باید ملاک باشد. در گفتارمان مراقب باشیم. رد دیگران، طرد دیگران، به‌طور مطلق در سر مسائل درجه دو، مصلحت نیست». (همو، ۱۳۸۸/۵/۳ و ۱۳۸۶/۱/۱۷)

۵. شناخت دشمنان اسلام و مسلمانان و مقابله با نقشه و توطئه آنها

بدون تردید اصلی‌ترین عامل ایجاد و ترویج اختلاف در بین مسلمانان، توطئه‌های خباثت‌آمیز دشمنان است؛ زیرا مذاهب و فرقه‌های اسلامی ده‌ها بلکه صدها سال است که در کشورهای اسلامی با یکدیگر زندگی و همزیستی مسالمت‌آمیز و همراه با صفا و صمیمیت داشته‌اند، اما ظهور و جلوه‌نمایی جاذبه و اقتدار مادی و معنوی اسلام پس از انقلاب اسلامی ایران و نفوذ آن در دل‌های انسان‌های پاک که بیداری اسلامی در آسیا و آفریقا را پدید آورد، موجب گردید تا دشمنان احساس خطر نموده و با تدبیر و برنامه‌ریزی دقیق به مقابله با آن بپردازند و هر روز برای جدایی و تفرقه مسلمانان طرحی نو در اندازند. از این‌رو، شناساندن دشمن و نقشه‌های آن برای مسلمانان به ویژه برای جوامع اسلامی، یکی از تدابیر مهم مقام معظم رهبری در چند سال اخیر بوده است. روشن است با بصیرت یافتن جامعه، به‌ویژه خواص، مقابله با ترفندهای دشمنان با اتقان و استحکام بیشتری صورت می‌پذیرد. برای نمونه می‌توان به رهنمودهای بصیرت‌افزای مقام معظم رهبری در فتنه سال ۸۸ اشاره نمود که با تدبیر ایشان، جامعه اسلامی از اختلاف و انحراف مصون ماند.

۶. مبارزه با جریان تکفیری

بی‌تفاوتی نسبت به جریان تکفیری که در بین شیعه رشد یافته، خطرناک است. باید مراجع و فعالین اعتقادی و فرهنگی به این معضل توجه ویژه کنند و از راه‌های مختلف با این پدیده شوم، مواجهه صورت گیرد. همان‌گونه که مقام معظم رهبری بارها این خطر را گوشزد فرموده و راه‌حل نیز ارائه داده‌اند: «امروز کسانی هستند که سلاحشان تکفیر است؛ ابایی هم ندارند که بگویند ما تکفیری هستیم؛ اینها سم‌اند، خب، این سم را باید از محیط اسلامی خارج کرد». (همو، ۱۳۹۰/۷/۲۰) گام نخست آن است که «بایستی مردم خودمان را هشیار و بیدار کنیم و خودمان مراقب باشیم. آن کسانی که بدون فهم، فهم حقیقت، بدون تقوا، جمعیت عظیمی از مسلمانان را از دین خارج می‌دانند، خارج می‌کنند، تکفیر می‌کنند، این گروه‌های تکفیری نادان، اینها را بایستی ما تا آنجایی که می‌توانیم، ارشاد کنیم؛ مردم را از اینها بترسانیم ... وظیفه علما، وظیفه سنگینی است»، (همو، ۱۳۸۵/۱۰/۲۵) این گام دوم است؛ یعنی «علما و روشنفکران اسلام بنشینند و منشور وحدت اسلامی را تنظیم کنند؛ منشوری تهیه کنند تا فلان آدم کج‌فهم متعصب و وابسته به این، یا فلان، یا آن فرقه اسلامی، نتواند آزادانه جماعت کثیری از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام کند؛ تکفیر کند. تهیه منشور جزء کارهایی است که تاریخ، امروز از روشنفکران اسلامی و علمای اسلامی مطالبه می‌کند. اگر شما این کار را نکنید، نسل‌های بعد از شما مؤاخذه خواهند کرد». (همو، ۱۳۸۶/۱/۱۷)

برخی نگاه سطحی به این‌گونه مسائل دارند و خطر جدی احساس نمی‌کنند و حال آنکه اگر جریان تکفیری «... به‌وسیله مسلمان‌ها به‌طور کامل محکوم نشوند و بزرگان علمی و بزرگان روشنفکری و بزرگان سیاسی وظیفه خودشان را در مقابل اینها انجام ندهند، این فتنه‌ها به اینجاها منحصر نمی‌ماند؛ بلایی به جان جامعه اسلامی می‌افتد و روزبه‌روز این آتش توسعه پیدا می‌کند. باید جلوی این فتنه‌ها را بگیرند؛ چه از طرق سیاسی، چه از طرق فتوهای دینی، چه از طرق مقاله‌های روشنگر نویسندگان و روشنفکران و نخبگان فکری و سیاسی در دنیا». (همو، ۱۳۹۲/۲/۱۶)

هرگونه اهمال و سستی در مبارزه با جریان انحرافی شیعه لندی می‌تواند دنیای اسلام را دچار مشکلات بزرگی کند.

نتیجه

جریان تشیع انگلیسی در مواجهه با اهل سنت بر این باور است که جامعه اسلامی در سایه تبیین مسائل اختلافی به انسجام دست می‌یابد و این را نوعی آگاهی‌بخشی به مردم محسوب می‌کنند و حال آنکه در مقام نظر، قابل خدشه و نیز در مقام عمل، نتیجه معکوس داشته و سبب تشدید اختلاف بین مذاهب می‌شود. درحالی‌که دیدگاه تقریب مذاهب، در هر دو مقام نظر و عمل معقول و کارآمد است. روش رسیدن به انسجام و وحدت جامعه، جز با رعایت و حفظ احترام متقابل نسبت به ارزش‌ها و نمادهای مقدس یکدیگر، تکیه بر اصول مشترک بجای تکیه بر فروع مفرق، عزم و اراده جدی بر طرد افراط‌گرایی و مقابله با نقشه و توطئه آنها امکان‌پذیر نیست.

روشن است یکی از مهم‌ترین راهکارهای ایجاد وحدت در جامعه اسلامی، عمل بر اساس بصیرت است. مقتضای بصیرت آن است که روش‌های انحرافی و نقشه‌های دشمن را خوب بشناسد و با آن مقابله کند. هر مسلمان باید بداند که دشمن با روش‌ها و ترفندهای بسیار زیرکانه، در قالب جریاناتی مانند جریان تشیع انگلیسی، درصدد عملیاتی کردن شعار «اختلاف بیانداز، حکومت کن» است. به‌همین جهت، ارتقاء بصیرت جامعه اسلامی در این است که بداند روش ارائه شده از جانب جریان تشیع انگلیسی یک روش مخدوشی است و روش «تقریب یک هدف فوری، یک غرض الهی و یک فکر حیاتی است و باید دنبال بشود»، (همو، ۱۳۷۰/۷/۱) «امروز دنیای اسلام نیازمند این تقریب است». (همو، ۱۳۷۰/۷/۱)

جامعه اسلامی باید بداند که غرض تقریب «این است که فرقه‌های اسلامی، در مقام فکر و اعتقاد به یکدیگر نزدیک بشوند. ای‌بسا برخی از تصورات فریق نسبت به یکدیگر، با مباحثه و مذاکره، به استنتاج خوبی منتهی بشود. شاید بعضی از سوءتفاهم‌ها برطرف و بعضی از عقاید تعدیل و بعضی از افکار به‌طور

واقعی به هم نزدیک بشود. البته اگر این بشود، بسیار بهتر از هر شکل دیگر است؛ حداقل این است که بر روی مشترکات تأکید بشود. این گفتگوها و مذاکرات، کمترین فایده‌اش این خواهد بود». (همو، ۱۳۷۰/۷/۱) از سوی دیگر باید بدانند که جریانات انحرافی در صددند که جامعه اسلامی را از مسیر صلاح و مصلحت، منحرف و به فساد فکری و عقیدتی دچار کنند تا از این هدف و غرض الهی دور شوند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرّم، ۲۰۰۰ م، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ط ۱.
۲. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، ۱۳۸۷ ش، *همبستگی مذاهب اسلامی*، تهران، دانشگاه مذاهب اسلامی.
۳. پارسانیا، حمید، ۱۳۸۹، *روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی*، قم، کتاب فردا.
۴. پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای: <https://khamenei.ir>
۵. الحیب، یاسر، بی‌تا، *دانش‌های حمیراء*، بی‌جا، بی‌تا.
۶. حسینی شیرازی، سید صادق، ۱۳۸۵ ش، *اسلام و سیاست*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، انتشارات سلسله.
۷. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۷۷ ش، *حدیث ولایت*، تهران، سازمان تبلیغات.
۸. خلف تبریزی، محمدحسین، ۱۳۶۲، *برهان قاطع*، تهران، امیرکبیر.
۹. ذاکری، محمد اسحاق، ۱۳۸۹ ش، *اندیشه‌های تقریبی علامه شرف‌الدین عاملی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۰. شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۵، *روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی*، تهران، مرکز مطالعات و انتشارات آفتاب توسعه.
۱۱. علیپور، محمدصادق، ۱۳۹۸، «تحلیلی بر مفهوم روش و بازتعریف آن»، *معرفت فلسفی*، سال هفدهم، زمستان، ش ۲ (پیاپی ۶۶).
۱۲. عمید، حسن، ۱۳۸۹ ش، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیرکبیر، چ ۱.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *العین*، لغت‌نامه مجموعه نرم‌افزارهای نور.
۱۴. محیط طباطبائی، محمد، ۱۳۷۰ ش، *سید جمال‌الدین اسدآبادی و بیداری مشرق‌زمین*، به کوشش هادی خسروشاهی، تهران، کلبه شروق و سماط.

۱۳۶ □ فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۹، تابستان ۱۴۰۱، شماره ۶۹

۱۵. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۲ ش، *نظریه حقوقی اسلام*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۱۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶ ش، *مجموعه آثار شهید مطهری، الغدیر و وحدت اسلامی*، به نقل از یادنامه علامه امینی، قم، صدرا.

۱۷. معین، محمد، ۱۳۸۶ ش، *فرهنگ معین*، دوره دو جلدی، تهران، ادنا.

18. <http://www.khabaronline.ir>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی